

شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالی بافی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ملایر)

محمد رضا رضوانی*، استاد و عضو قطب برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
ناصر بیات، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
ابراهیم رستگار، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
علی قنبری نسب، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده

قالیبافی یکی از کهن‌ترین و برجسته‌ترین صنایع دستی ایرانیان به شمار می‌آید که در نواحی روستایی همواره در کنار بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین درآمد مردم بوده است. در دوره معاصر، به ویژه در چند دهه گذشته تغییرات ساختاری در اقتصاد ملی، رشد شهرنشینی، گسترش صنایع و بوروکراسی مبتنی بر درآمدهای نفتی به تحولات گسترده اجتماعی و اقتصادی از جمله در نواحی روستایی انجامید. این شرایط رکود فعالیت‌های اقتصادی سنتی در بسیاری از نواحی روستایی هم چون قالی بافی را در پی داشته است. بر این پایه پژوهش حاضر به شناخت و تحلیل علل رکود صنعت قالیبافی در سه روستا از توابع دهستان جوزان شهرستان ملایر می‌پردازد. روش تحقیق ترکیبی و اکتشافی است. نخست با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته شناخت علل رکود صنعت قالی بافی از دیدگاه کارشناسان در منطقه مورد مطالعه با استفاده از روش کدگذاری باز تجزیه و تحلیل گردید و بر این اساس ۱۶ علت اصلی اثرگذار در رکود قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه شناسایی شد. سپس، نتایج این بخش از پژوهش اساس طراحی پرسشنامه در مرحله بعد قرار گرفت. با طراحی پرسشنامه در چارچوب طیف لیکرت دیدگاه قالیبافان روستایی در ارتباط با علل ذکر شده پیرامون رکود صنعت قالی بافی مورد شناخت قرار گرفت. آزمون تی تک نمونه و روش خوشه بندی سلسله مراتبی برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه به کار رفت. بر این اساس دیدگاه پاسخگویان نشان می‌دهد که مهم‌ترین علت رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه "گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی و ناهمخوانی آن با سبک و شیوه زندگی و معیشت سنتی در روستا" و کم‌اهمیت‌ترین علت نیز "مشکلات بهداشتی قالی بافی به سبک سنتی در خانه" است.

واژگان کلیدی

صنعت قالیبافی، اقتصاد روستایی، دهستان جوزان، فرش دستباف ملایر.

۱- مقدمه

در ایران قالی بافی یکی از کهن‌ترین فعالیت‌های اقتصادی به شمار می‌آید؛ که به طور سنتی در نواحی-روستایی رواج بیشتری دارد. این صنعت در کنار برخورداری از اهمیت اقتصادی خرد و کلان، از نظر هنری و ویژگی‌های زیبایی شناختی فرهنگ ایرانی نیز دارای اهمیت بسیاری است. به طوری که گفته می‌شود هنر ایران سرشار از ظرافت‌هایی است که در صنعت فرش دستباف ظهور یافته است (حیدری شکیب، ۱۳۸۹، ۹۶). زیبایی، رمز آفرینی و نماد پردازی به عنوان برخی از ویژگی خاص هنری فرش دستباف ایرانی به شمار می‌آیند که در ارتقای جایگاه اقتصادی آن نیز تأثیرگذار بوده‌اند (Spencer, 2004, 78).

بر اساس آمارهای مختلف بیش از ۶۵ درصد جمعیت فرشباف کشور در نواحی روستایی سکونت دارند (شم آبادی و حسینی، ۱۳۸۶، ۷). تولید فرش دستباف در اقتصاد ایران به دلیل بهره‌گیری از تکنولوژی ساده و کم هزینه، مواد اولیه ارزان، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و تحصیل درآمدهای ارزی از مزیت‌نسبی برخوردار است (صابری، ۱۳۸۲، ۵۲۹). رونق این صنعت در نواحی روستایی علاوه بر کمک به رشد اقتصاد ملی می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصاد روستایی بیانجامد. هم‌چنین رکود این صنعت در بسیاری از نواحی روستایی کشور می‌تواند کاهش درآمد خانوارهای روستایی را در پی داشته باشد (میر کتولی، ۱۳۵۵، ۵۵). با توجه به تحولات اقتصادی و مشکلات چند دهه گذشته در زمینه تولید فرش دستباف روستایی، از جمله در منطقه مورد مطالعه، این پژوهش با رویکرد علت‌شناسانه، شناخت و تحلیل علل رکود صنعت قالی بافی در سه روستا از توابع دهستان جوزان شهرستان ملایر را ریشه‌یابی می‌کند و در این راستا از دیدگاه کارشناسان و مردم محلی بهره می‌گیرد. بر این مبنا، پرسش اصلی پژوهش بدین گونه است: مهم‌ترین علل مؤثر بر رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه (توسک سفلی، توسک علیا و مانیزان) کدام‌اند؟

ضرورت مکانی انجام پژوهش در روستاهای مذکور به این دلیل است که، همواره از گذشته‌های دور دهستان جوزان نقش کانونی و تأثیرگذار بر تولید فرش دستباف در شهرستان ملایر داشته است. به طوری که بخش عمده‌ای از شهرت فرش دستباف ملایر به دلیل طرح‌های این منطقه مانند «پیچ‌جوزان»، یا «نقش-جوزان»، است که کانون اصلی طراحی و تولید آن مربوط به روستاهای این ناحیه است. بر پایه بررسی‌های به عمل آمده، علی‌رغم شهرت جهانی برخی از گونه‌های فرش‌های دستباف ملایر تاکنون پژوهش‌جامعی در ارتباط با فرش دستباف ملایر انجام نشده است. اما، در مقاطع زمانی مختلف، برخی کتاب‌ها و مقاله‌های علمی به فراخور موضوع به ویژگی‌های فرش دستباف ملایر و تنوع جغرافیایی آن پرداخته‌اند.

۲. مبانی نظری

۲.۱. تاریخچه

از دیدگاه اغلب ایران‌شناسان و کارشناسان فرش، پیشینه قالی بافی در ایران به دوره تاریخ باستان برمی‌گردد و حداقل ۲۵۰۰ سال سابقه دارد (حشمتی رضوی، ۱۳۸۰، ۱۸). اما، با این همه تا پیش از دوره-صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ هجری) شناخت کم‌تری در این باره وجود دارد. به طوری که در سال ۱۹۹۶م. هانس‌ولف^۱ ایران‌شناس آلمانی در این زمینه می‌گوید: «در فنون صنعتی ایران هیچ زمینه‌ای به اندازه قالی بافی اهمیت ندارد و با وجود این اطلاعات اندکی از چگونگی تکامل اولیه آن در اختیار می‌باشد» (به نقل از رابینسون،

¹ Hans Wolf

۱۳۸۴، ۵۷). آن چه از شواهد برمی آید بیانگر آن است که از دوره صفویه به بعد موقعیت صنعت قالی بافی در ایران از یک حرفه ایلپاتی و روستایی به یک صنعت ملی ارتقا یافت و گارگاه‌های بزرگ و کوچک قالی بافی در بسیاری از مناطق روستایی و شهری دایر گردید (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۱۱). در این دوره عوامل بسیاری در بهبود صنعت قالی بافی نقش داشتند. از جمله مهم ترین آن‌ها افزایش اهمیت اقتصادی فرش به عنوان یک کالای تجاری و صادراتی بود. به طوری که، در این دوره شرکت‌های خارجی چندی از کشورهایی چون انگلیس، پرتغال، هلند و فرانسه از طریق خلیج فارس به تجارت فرش می پرداختند (واکر، ۱۳۸۴، ۸۲). این روند در دوره تاریخی بعدی نیز ادامه یافت تا این که در سال ۱۳۱۴ ش. "شرکت ملی فرش ایران" به عنوان یک شرکت دولتی با هدف هایی چون کمک به آموزش، ترویج و توسعه تجارت فرش دستباف تأسیس شد و صادرات فرش ایران علاوه بر اروپا به بازارهای مناطق دیگر جهان از قبیل آمریکای شمالی و ژاپن نیز راه یافت. از این پس، در کنار صنعت نفت، تولید فرش دستباف به دومین صنعت صادراتی ایران تبدیل شد (فلور، ۱۳۸۴، ۱۱۰). بر اساس آخرین آمارهای منابع رسمی میزان صادرات فرش دستباف ایران به لحاظ وزنی در سال ۱۳۹۰ ش. برابر با ۶۹۷۲ تن، و در سال ۱۳۸۹ ش. برابر با ۸۲۴۶.۲ تن بوده است. اعداد کاهش حجم تولید به میزان ۱۵.۴۵- درصدی طی یک سال را نشان می دهد. با این وجود، ارزش صادرات فرش دستباف ایران در سال ۱۳۹۰ ش. برابر با ۵۶۰.۵ میلیون دلار برآورد شده است؛ که علی‌رغم کاهش قابل ملاحظه در حجم تولید نسبت به سال ۱۳۸۹ ش. به دلیل افزایش قیمت فرش دستباف در بازار جهانی، از نظر ارزش رشد ۰.۸۴ درصدی داشته است. هم چنین در سال ۱۳۹۰ ش. از نظر ارزش، فرش دستباف با ۱.۶۵ درصد از مجموع ۲۰۲ کالای صادراتی غیرنفتی، رتبه سیزدهم را داشته است و کشورهای آسیایی (۴۷.۵٪) و اروپایی (۴۱.۶٪) بزرگ ترین مقصدهای صادرات فرش دستباف ایران بوده اند (مرکز ملی فرش ایران، ۱۳۹۱). در شرایط کنونی چندین وزارتخانه و سازمان دولتی در زمینه فرش دستباف فعالیت دارند. مانند وزارت صنعت، معدن و تجارت از طریق مرکز ملی فرش ایران و سازمان توسعه تجارت ایران، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق موزه ملی فرش ایران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی، گردشگری، کمیته امداد امام خمینی. این گوناگونی در مراکز تصمیم گیری در دوره کنونی از مهم ترین عوامل مشکل ساز برای صنعت فرش دستباف ایران به شمار می آید (حشمتی رضوی، ۲۱، ۱۳۸۰).

۲-۲- رکود صنعت قالیبافی

اصولاً مسأله زوال اقتصادی در برابر مفاهیم و موضوعاتی چون پیشرفت، ترقی و توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد (بیات و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۵۵). تحولات معاصر در زمینه‌های گوناگون در مقیاس های جهانی، ملی، منطقه‌ای و محلی سبب دگرگونی های عمیقی در ساختار اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های انسانی و از جمله روستاها شده است (Geist, 2005, 124). در این شرایط - متأثر از غلبه نظام سرمایه‌داری - بقای آن دسته فعالیت های اقتصادی، به ویژه در بخش اقتصاد سنتی، که در برابر دیگر بخش‌های اقتصادی نتوانند رقابت- پذیری خود را حفظ کنند و پاسخگوی نیازهای جمعیت باشند، با تهدید مواجه می شود (Andrews, 2009, 117-118). مک لاکلان^۱ و تاپر^۲ (۲۰۰۳)، با مطالعه و تحلیل اثرات اقتصاد مبتنی بر تولید نفت و گاز در کشورهای خاورمیانه بر دستاوردهای فرهنگ مادی^۳ نتیجه‌گیری می کنند، اقتصاد ناپایدار حاصل از صادرات

¹ Keith McLachlan

² Richard Tapper

³ Material Culture

نفت و گاز موجب رشد سریع یک بخش اقتصادی مدرن در برابر بخش سنتی شده است. در بخش مدرن جامعه رشد دیوان سالاری یا در اصطلاح بوروکراسی نوین شرایطی را پدید می آورد، که سطح درآمد و دستمزدها بسیار بالاتر از بخش‌های سنتی جامعه است. این وضعیت سبب کاهش جذابیت فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های سنتی می‌شود و مهاجرت و تمرکز جمعیت در شهرها را به دنبال دارد. جمعیت شهرنشینی که اشتغال در بخش دولتی و سازمان‌های عمومی، و یا بهره‌مندی از بازار کار شهری متکی بر گردش سرمایه حاصل از درآمدهای نفتی را دنبال می‌کند. در چنین شرایطی نوسازی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی محلی در بخش‌های کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی و سنتی با مشکل روبه‌رو می‌شود و سرمایه‌گذاری و اشتغال در این زمینه‌ها به تدریج رکود می‌یابد (McLachlan and Tapper, 2003, 10-12). در این چارچوب روند رو به افزایش سهم کشورهای غیرنفتی هند، پاکستان، چین و ترکیه از بازار جهانی فرش و در مقابل روند رو به کاهش سهم ایران در این زمینه (جدول شماره ۱)، نیز قابل تحلیل است. در ادامه به نتایج برخی پژوهش‌های داخلی در زمینه علل رکود فرش دستباف ایران اشاره می‌شود.

جدول شماره ۱: سهم کشورهای منتخب از بازار جهانی فرش دستباف

سال	ایران	هندوستان	پاکستان	نیپال	ترکیه	چین
۱۹۷۶	۴۱.۰	۸.۹	۱۲.۱		۳.۷	۴.۹
۱۹۸۰	۳۵.۷	۱۴.۱	۱۵.۱		۴.۷	۸.۳
۱۹۹۱	۳۰.۹	۱۶.۷	۹.۴	۶.۹	۶.۰	۱۵.۴
۱۹۹۶	۳۱.۰	۲۰.۰	۸.۰	۹.۰	۷.۰	۱۷
۲۰۰۳	۴۰.۸	۱۲.۳	۱۷.۲	۳.۰	۳۰.۵	۱۰.۴
۲۰۰۵	۳۳.۷	۱۹.۰	۱۸.۸		۴.۹	۸.۷

منبع: صحت، و فرجلو مطلق، ۱۳۹۱.

پورصادق و همکاران (۱۳۸۹) مشکلات صادرات فرش دستباف و نارسایی‌های متعدد در انطباق با شرایط نوین بازارهای بین‌المللی و کسب جایگاه واقعی را عامل رکود می‌دانند (پورصادق و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۵۵). جعفر نژاد و همکاران (۱۳۸۸) معتقدند وجود برخی مشکلات در زمینه بازاریابی، عرضه و ارایه خدمات پس از فروش به مشتریان در بازارهای جهانی باعث شده، تا مشکلات زیادی برای دست‌اندرکاران صنعت فرش دستباف ایران ایجاد شود و علی‌رغم عرضه محصولی اصیل، شاهد سیر نزولی تولید و صادرات فرش دستباف ایران در سال‌های اخیر باشیم. به طور کلی، نسبت به دیگر رقبای خارجی در جایگاه پایین تری قرار گیریم (جعفر نژاد و همکاران ۱۳۸۸، ۱).

آسایش و فرجی (۱۳۸۷) معتقدند که وضعیت فعلی نظام تولید و توزیع فرش دستباف ایران مبتنی بر نظام فشاری است. بدین معنی که هم در تولید و هم در توزیع این محصول کم‌تر به نظر و سلیقه مشتری توجه می‌شود و فعالان فرش دستباف ایران به عرضه فرش دستباف خود در بازارهای هدف می‌پردازند، به این امید که مشتری با ملاحظه فرش و هنر آن‌ها تشویق به خرید گردد. اما، در بسیاری از موارد این مهم

کارساز واقع نمی شود و رقبای ایران در بازارهای هدف با درک این وضعیت به تولید و توزیع فرش های مورد دلخواه مشتریان هدف از نظر رنگ، شکل، اندازه، طرح و نقشه می پردازند (آسایش و فرجی، ۱۳۸۷، ۴۱).

شم آبادی و حسینی (۱۳۸۶)، عوامل رکود در بخش صنعت فرش دستباف ایران را متأثر از ضعف عملکرد و ضعف کارایی در ابعاد سازمانی، ساختاری، مدیریتی و به ویژه تجاری و بازرگانی می دانند. به طوری که، فرش دستباف ایران دوران افول و رکود شکننده ای را در عرصه رقابت های جهانی پیموده و اکنون در شرایط بحرانی به سر می برد. از طرفی بی توجهی به اصول و مبانی بازاریابی و تجارت که دربرگیرنده فرآیند تولید آن نیز می شود، مزیت های رقابتی فرش دستباف را در داخل و به ویژه در سطح جهانی با مخاطرات جدی مواجه نموده است. تجربه موفق دیگر کشورها حاکی از توجه آن ها به واقعیت های محیط تجارت و دیگر عوامل تأثیرگذار است (شم آبادی و حسینی، ۱۳۸۶، ۳). در همین راستا، "سازمان توسعه و تجارت ایران" در یک نگاه کلی مشکلات رکود صنعت قالی بافی ایران را در دوبرخشا جداگانه شامل بخش تولید و بخش بازاریابی و صادرات بررسی می کند. بر این اساس مشکلات بخش تولید بدین شرح است: نبود طرح جامع ملی و استراتژی مدون در زمینه فرش دستباف، نبود حمایت اصولی در قالب سیاست تدوین شده از تعاونی های فرش روستایی و شهری و قالی بافان خانگی، مشکلات تأمین مواد اولیه مرغوب برای تولید فرش های با کیفیت، کمبود اطلاعات تولیدکنندگان از نیازهای بازار و عدم تطابق تولید با سلیقه مصرف کننده، عدم وجود نظام عرضه و فروش مواد اولیه مرغوب، فقدان شناسنامه فرش برای نظارت و کنترل کیفیت تولید و معرفی هنرمندان فرش دستباف ایران، عدم وجود طرح مدون جهت استحصال مواد اولیه رنگرزی گیاهی، عدم تدوین استاندارد ابزار و دار قالی بافی، عدم ایجاد صندوق حمایت از بافندگان فرش دستباف، نبود مکانیسم و ضوابط لازم برای جلوگیری از صادرات فرش های نامرغوب و فاقد کیفیت، فقدان امکانات مناسب جهت پرداخت و شست و شوی فرش های صادراتی، عدم وجود داده های آماری دقیق در بخش ها و شاخه های مختلف فرش، عدم هماهنگی بین تشکل های تولیدی و صادراتی، کمبود واحدهای تأمین مواد اولیه مرغوب قالی بافی و رنگرزی سنتی (گیاهی)، مشکلات موجود در فرآیند پرورش دام به عنوان یکی از تأمین کننده مهم مواد اولیه (پشم)، مشکلات مربوط به قانون کار و بیمه قالی بافان در مجتمع قالی بافی (سازمان توسعه و تجارت ایران، ۱۳۸۶: ۳-۲). سرانجام، به طور خلاصه در کنار تحولات ساختاری و مشکلات یاد شده پیرامون صنعت قالی بافی در زمینه هایی چون صادرات، بازاریابی، خدمات پس از فروش، نظام تولید، مدیریت و غیره، نمی توان از تأثیر تحریم های خارجی در دهه ها و به ویژه سال های اخیر علیه اقتصاد ایران و اثرات نامطلوب آن بر بخش های مختلف اقتصادی و به ویژه بازار فرش دستباف ایران چشم پوشی کرد.

۲-۳- فرش دستباف ملایر

استان همدان از مناطق با اهمیت قالی بافی در ایران است. طرح های فرش دستباف در این استان از ناحیه ای به ناحیه دیگر فرق می کند. در شهرستان ملایر به علت مجاورت با استان مرکزی طرح ها و نقشه های فرش دستباف داری اشتراکات بسیاری با گونه های فرش دستباف در این استان است (نصیری، ۱۳۸۲: ۸۴). این ویژگی در بخش های شرقی ملایر و از جمله در دهستان جوزان بیشتر دیده می شود. برخی از گونه های فرش دستباف ملایر بسیار شناخته شده هستند. هاسوری (۱۹۹۹) بر پایه مطالعه ای در ارتباط با فرش دستباف ملایر به شهرت جهانی فرش های بافته شده در روستاهای جوزان، توسک، مانیزان، میشن، کسب، ننج، پری، طایمه، داویجان، علمدار، حسین آباد شاملو و سامن اشاره می کند و می گوید: «در دوره قاجاریه و به خصوص در نیمه

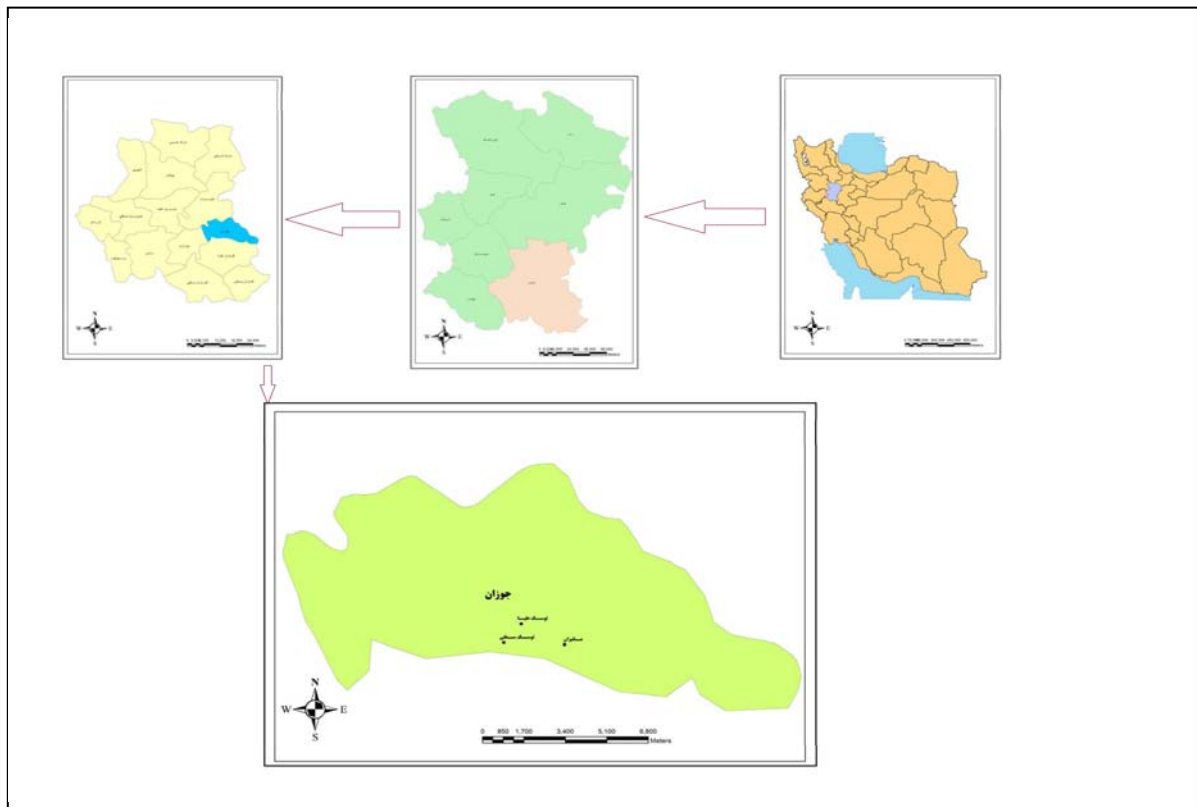
قرن نوزدهم، فرش‌های ملایر از جمله زیباترین و نفیس‌ترین فرش‌های ایرانی به شمار می‌رفتند و در زمینه‌های طرح تحول شگرفی یافته بودند» (Hassouri, 1999, 33-47). هم‌چنین سیسیل ادواردز (۱۹۵۳) در کتاب "قالی ایران" که در نیمه سده بیستم نگاشته شده، شهرستان ملایر را یکی از مراکز مهم تولید فرش دستباف در میان نواحی غربی ایران معرفی می‌کند و می‌گوید: «حدود ۲۵۰۰ کارگاه قالی بافی در ملایر وجود دارد که ۱۰۰ کارگاه آن در شهر است. از این تعداد ۸۰۰ دستگاه برای قالی و فرآورده بقیه قالیچه است. کل محصول سالیانه اعم از قالی و قالیچه ۵۰۰۰ تخته است». از نظر جغرافیایی در مناطق شمالی ملایر مانند حسین‌آباد، جوکار بیشتر فرش‌های یک پوده و با گره‌ترکی و در طرح‌شکسته با طرح‌های هراتی و ایلپاتی که از نقش‌های کردی و قفقاز سرچشمه می‌گیرند، بافته می‌شوند. در حالی که بافندگان مناطق جنوبی ملایر سنت‌های بافندگی مناطق فارس‌زبان از جمله استعمال گره‌نامتقارن و کاربرد دو نخ پود و نقشه‌های متداول در فراهان و ساروق را پیروی می‌کنند. فرش‌های نوع اول یک پوده و ضخیم و فرش‌های نوع دوم که فرش جوزان بهترین نماینده آن است، دو پود و ریز باف تر است (فرهادی، ۱۳۸۳، ۷۵-۷۲).

۳- معرفی محدوده مورد مطالعه

روستاهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر از توابع دهستان جوزان شهرستان ملایر هستند (نقشه شماره ۱). روستای جوزان با حدود ۳۰۰۰ نفر جمعیت، مرکز این دهستان است. این ناحیه از شهرستان ملایر، از جمله حاصل خیزترین نواحی در غرب ایران به شمار می‌آید. باغات انگور آن تأمین کننده بخش عمده صادرات کشمش استان همدان است. این ناحیه به نام دره جوزان شناخته می‌شود. علاوه بر این فرش دستباف آن، مشهور به نام «پیچ جوزان»، یا «نقش جوزان»، به عنوان یکی از طرح‌های فرش دستباف ایران، بسیار شناخته شده است (جزمی و دیگران، ۱۳۸۳، ۱۸۱). فرهادی (۱۳۸۳) در این زمینه می‌نویسد: «دره جوزان دره‌ی آبادی است در جنوب خاوری شهرستان ملایر که امتداد آن به روستاهای غربی شهرستان اراک می‌پیوندد. این دره با روستاهای کهن سالش یکی از مراکز مشهور و قدیمی قالی ایران است، که به خاطر شهرت قالی جوزان اغلب قالی‌ها و قالیچه‌های روستاهای پیرامون آن نیز به همین نام به بازار عرضه می‌شوند». از گذشته در کنار طرح نقش جوزان، قالیچه‌های نقش برجسته^۱ نیز یکی از مهم‌ترین گونه‌های فرش‌های دستباف در روستاهای واقع در محدوده دره جوزان ملایر به شمار می‌آید. هر چند در دهه‌های گذشته کانون تولید این فرش به روستاهای توسک‌بالا و توسک سفلی انتقال پیدا کرد؛ اما، در این روستاها نیز تولید فرش‌های نقش برجسته با رکود مواجه شده است. روستای مانیزان نیز از جمله مراکزی بوده که همواره به لحاظ تولید فرش‌های با کیفیت خوب معروف بوده است. اسلیمی لچک ترنج، با متن افشان و نقشه گل رزی این روستا بسیار مشهور است. لازم به ذکر است که بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده توسط مرکز بهداشت روستایی در سال ۱۳۹۱ کل جمعیت روستاهای مورد مطالعه به تفکیک، توسک علیا ۶۲۸ نفر (۱۴۹ خانوار)، توسک سفلی ۶۹۸ (۲۲۸ خانوار)، و مانیزان ۶۱۸ نفر (۲۲۸ خانوار) گزارش شده است.

۱ قالیچه‌های نقش برجسته این منطقه سرتاسر پرزدار بوده و نخست به صورت معمولی بافته می‌شود و به تدریج با نمایان شدن گل‌های متن، به کمک قیچی و با مهارت خاص زمینه متن کوتاه تر و شاخه‌ها و گل‌ها بلندتر قیچی می‌شوند (فرهادی، ۱۳۸۳: ۷۷).

موقعیت روستاهای مورد مطالعه



منبع: نگارندگان

۴- روش شناسی

پژوهش حاضر در دومرحله انجام پذیرفته است. در مرحله نخست دیدگاه کارشناسان مرتبط با تولید فرش دستباف در قلمرو شهرستان ملایر درباره علل رکود صنعت قالی بافی در نواحی روستایی مورد مطالعه قرار گرفت. در مرحله دوم بر پایه علل شناسایی شده در مرحله نخست دیدگاه مردم محلی در ارتباط با علل یاد شده تجزیه و تحلیل گردید. ابزارهای اصلی مورد استفاده به ترتیب شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته^۱ و پرسشنامه است. در گام نخست به منظور شناخت عوامل مؤثر بر رکود فعالیت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه، ۱۵ مصاحبه به روش نیمه ساختار یافته با کارشناسان و خبرگان فرش دستباف روستایی شهرستان ملایر به عمل آمد. افراد مصاحبه شونده شامل: ۳ نفر کارشناس از اداره جهاد کشاورزی شهرستان، ۳ نفر کارشناس از کمیته امداد امام خمینی، ۶ نفر از خبرگان محلی فعال در زمینه فرش دستباف در روستاهای مورد مطالعه (از هر روستا ۲ نفر)، و ۳ نفر از تجار خیره در زمینه خرید و فروش فرش دستباف روستایی شهرستان ملایر بودند. در مصاحبه نیمه ساختار یافته، سوالات اصلی مصاحبه از پیش طرح می شوند. اما، در مقایسه با روش مصاحبه ساختار یافته، از ویژگی "انعطاف پذیری" برخوردار است. به طوری که، پژوهشگر در راستای رسیدن به پاسخ پرسش های اصلی از پیش طرح شده، می تواند پرسش های دیگری نیز بستگی به شرایط مصاحبه مطرح کند (Cousin, 2009, 71-72). بنابراین، در مرحله نخست پژوهش، مهم ترین دلایل رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه از دیدگاه مصاحبه شندگان مورد پرسشگری قرار گرفت. به منظور تحلیل متن یا داده-

¹ Semi-structured interview

های ۱۵ مورد مصاحبه انجام شده از روش گذاری باز^۱ استفاده شد. کدگذاری باز در برگزیده فرآیند تجزیه، بررسی، مقایسه، مفهوم سازی و دسته بندی داده ها است. بر این پایه، داده های گردآوری شده به دقت خوانده می شوند و به اجزای مختلف تجزیه می گردند. سپس این اجزا با یکدیگر مقایسه شده و آن هایی که در برگزیده مفهوم یکسانی هستند، تحت عنوان یک کد یا مقوله خلاصه می شوند (Boeije, 2009, 96). بر این اساس پس از پالایش و تحلیل محتوای متن مصاحبه ها ۱۶ عامل تأثیرگذار بر رکود فعالیت قالی بافی، به عنوان وجه اشتراک دیدگاه اکثریت مصاحبه شوندگان، شناسایی شد. در ادامه بر پایه ۱۶ علت شناسایی شده پرسشنامه پژوهش طراحی گردید، تا دیدگاه فرشبافان روستایی در ارتباط با میزان اثرگذاری علت ذکر شده مورد شناخت و تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ پاسخ ها با استفاده از طیف لیکرت شامل ۵ گزینه به ترتیب اهمیت از شماره ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد. جامعه آماری پژوهش در این مرحله شامل همه آن دسته از خانوارهای روستایی بود که در زمان انجام پژوهش حاضر و یا پیش تر به صنعت قالی بافی اشتغال داشته اند. بدین منظور انتخاب نمونه ها با روش گلوله برفی^۲، که یک تکنیک نمونه گیری غیراحتمالی است (Babbie, 2012, 191)، میسر گردید. با توجه به این که به طور سنتی در منطقه مورد مطالعه قالی بافی بخشی از فعالیت اقتصادی زنان روستایی به شمار می آید، پاسخگویان پرسشنامه پژوهش نیز از جمعیت زنان انتخاب شدند و به منظور تسهیل ارتباط با پاسخگویان از سه نفر پرسشگرزن استفاده شد. سرانجام به ترتیب از روستاهای توسک سفلی، توسک علیا و مانیزان به ترتیب ۶۶، ۵۵، و ۴۹ عدد پرسشنامه به دست آمد. سپس آزمون تی تک نمونه^۳ برای تجزیه و تحلیل داده های پرسشنامه و و درک اهمیت و رتبه هر یک علت شانزده گانه-در مقایسه با یکدیگر- بر اساس دیدگاه جامعه محلی مورد استفاده قرار گرفت. در پایان نیز روش خوشه بندی سلسله مراتبی برای طبقه بندی بندی علت رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه به کار رفت. بنابراین، مجموعه علت شناخته شده بر پایه میزان تاثیر گذاری به خوشه بندی شدند.

۵- یافته های پژوهش

۵-۱- علت رکود صنعت قالی بافی از دیدگاه کارشناسان: در مرحله نخست پژوهش که حاصل مصاحبه با ۱۵ نفر از کارشناسان و دست اندرکاران فرش دستباف شهرستان ملایر است ۱۶ علت عمده تاثیر گذار بر فرش دستباف ملایر شناسایی گردید. در این مرحله متن مصاحبه های به عمل آمده به متن تبدیل گردید. سپس، محتوای آن ها به روش کدگذاری باز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس این روش کدگذاری داده های مصاحبه در دو سطح انجام شد، شامل:

۱-۱-۵ کدگذاری اولیه یا سطح اول: بدین منظور به ترتیب متن مصاحبه ها به کد ها یا عبارات های مختصر تجزیه گردید. به طوری که برای هر کد تعیین شده یک شرح واژه^۴ (یادداشت و توضیح شخصی پژوهشگر) نوشته شد. به طور مثال در برابر توضیح «همواره و از گذشته های دور اشتغال به قالی بافی در روستاهای منطقه بخشی از فعالیت زنان روستایی به شمار می آمده؛ اما، امروزه به دلایل گوناگون بی رغبتی

^۱ Open coding

^۲ شرح واژه (Memo): عبارت است از نوشته یا یادداشت مختصر و کوتاهی که پژوهشگر در زمینه یک کد می نویسد (محمد پور، ۱۳۹۰: ۳۳۲).

^۳ One sample run test

^۴ Memo

دختران جوان به فراگیری مهارت های قالی بافی و اشتغال در این زمینه یکی از دلایل اصلی کاهش تولید فرش محسوب می شود»، شرح واره «عدم تمایل دختران جوان به قالیبافی» به کار رفت.

۲-۱-۵- کدگذاری سطح دوم یا متمرکز: در این مرحله کدهایی که دارای مفهوم یکسان بودند در ذیل یک کد یا مقوله قرار گرفتند. برای پوشش جامع کدهای دارای مفهوم یکسان شرح واره های قبلی مورد بررسی مجدد قرار گرفتند. بنابراین، شرح واره نهایی از برآیند مجموع کدهای مشابه استخراج گردید. به طور مثال شرح واره ذکر شده در مثال قبلی به شرح «عدم تمایل جوانان و به ویژه دختران جوان روستایی به صنعت قالی بافی و یادگیری مهارت های آن» بیان گردید و سرانجام به عنوان یکی از علل رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه در نظر گرفته شد. جدول شماره (۲) خلاصه نتایج مرحله نخست پژوهش بر پایه ۱۵ مصاحبه به عمل آمده را نشان می دهد.

جدول شماره ۲: علل رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه بر اساس دیدگاه کارشناسان

ردیف	تعداد کدها	علت رکود صنعت قالی بافی	ردیف
۱	۱۵	دستیابی روستاییان به منابع معیشتی جدید در دیگر بخش های اقتصادی	۱
۲	۱۵	عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف	۲
۳	۱۵	کم رنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار به دلیل دسترسی بیشتر مردان به منابع معیشتی خارج از روستا	۳
۴	۱۵	رکود درآمدی به دلیل رشد نامناسب قیمت فرش دستباف در مقایسه با دیگر کالاهای تولیدی	۴
۵	۱۴	بهره‌وری کمتر قالی بافی در مقایسه با دیگر فعالیت های اقتصادی	۵
۶	۱۴	گرایش خانواده های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی و ناهمخوانی آن با سبک و شیوه زندگی و معیشت سنتی در روستا (رواج مصرف گرایی به جای فرهنگ تولید گر روستایی)	۶
۷	۱۴	عدم تمایل جوانان و به ویژه دختران جوان روستایی به صنعت قالی بافی و یادگیری مهارت های آن	۷
۸	۱۴	زوال فرایند آموزش نسل به نسل مهارت های قالی بافی در خانه و عدم جایگزینی نظام جدید آموزش فرش دستباف	۸
۹	۱۳	مشکلات بهداشتی قالی بافی به سبک سنتی در خانه	۹
۱۰	۱۲	مهاجرت های روستا- شهری و کاهش تعداد جمعیت فرشباف روستایی	۱۰
۱۱	۱۲	سختی کار قالی بافی و آسیب های جسمی ناشی از آن	۱۱
۱۲	۱۰	ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه در راستای افزایش کیفیت تولید فرش دستباف	۱۲
۱۳	۱۰	افزایش قیمت و گرانی مواد اولیه تولید فرش دستباف	۱۳
۱۴	۹	ضعف جنبه های اقتصادی در برنامه ریزی توسعه روستایی	۱۴
۱۵	۸	ضعف سیاست های حمایتی دولت از فرشبافان (بیمه و...)	۱۵
۱۶	۸	مشکلات بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان	۱۶

منبع: یافته های پژوهش

۲-۵- تحلیل علل مؤثر بر رکود صنعت قالی بافی از دیدگاه مردم محلی

در راستای تحلیل عوامل اثرگذار بر رکود صنعت قالی بافی در منطقه مورد مطالعه و بررسی میزان تاثیر آن‌ها از دیدگاه مردم محلی پرسشنامه پژوهش بر مبنای یافته‌های مرحله نخست پژوهش طراحی و اجرا گردید. نتیجه نهایی ۱۷۰ عدد پرسشنامه گردآوری شده از ۳ روستای مورد مطالعه، بر اساس نمونه‌گیری کلی به روش گلوله برفی، به شرح جدول شماره (۳) است. با توجه به این که مجموع کل خانوارهای ساکن در ۳ روستای مورد مطالعه ۵۴۰ خانوار است، گردآوری ۱۷۰ عدد پرسشنامه بیانگر مشارکت حدود ۳۱.۵ درصد از مجموع خانوارهای ساکن در روستاهای مورد مطالعه در پژوهش است. هم‌چنین بر پایه یافته‌های ۱۷۰ پرسشنامه مشخص گردید که تنها ۱۹ خانوار برابر با ۱۱.۱۷ درصد پاسخگویان (۳.۵٪ کل خانوارهای ساکن در روستاهای مورد مطالعه) در زمان انجام پژوهش به فعالیت‌های قالی بافی اشتغال دارند و سایر پاسخگویان صرفاً از سابقه فعالیت در این زمینه برخوردارند. بنابراین، صنعت قالی بافی از چرخه درآمد خانوار آن‌ها حذف گردیده است. این وضعیت به روشنی بیانگر رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه است.

آزمون تی نمونه برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه و شناخت اهمیت هر یک علل شانزده گانه در رکود صنعت فرش‌بافی مورد استفاده قرار گرفت (جدول شماره ۴). ارزش تی به طور مستقل برای همه پرسش‌ها در طیف لیکرت پنج گزینه ای برابر با عدد ۳- به عنوان میانه مطلوب- محاسبه گردید. به طور کلی، بر پایه یافته‌های مندرج در جدول شماره ۴ خلاصه یافته‌های این بخش از پژوهش را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه ناحیه آلفای ۰.۰۵ برای همه مقوله‌ها برابر با ۰.۰۰۰ است که نشان دهنده توافق معنادار نگرش همه پاسخگویان در ارتباط با وضعیت علل شانزده گانه در ارتباط با رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه شده است؛
- در هر ۱۶ مقوله کم و بیش میانگین پاسخ‌ها ارزش تی یا میانه مطلوب بیشتر و در یک مورد نیز یعنی "مشکلات بهداشتی قالی بافی به سبک سنتی در خانه" میانگین پاسخ‌ها برابر با ارزش تی است. این وضعیت به معنای توافق و تایید نتایج مرحله نخست تحقیق (دیدگاه کارشناسان) از دیدگاه پاسخگویان است.
- نتایج رتبه بندی علل شانزده گانه نشان می‌دهد که مقوله‌های "گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی و ناهمخوانی آن با سبک و شیوه زندگی و معیشت سنتی در روستا (رواج مصرف گرایی به جای فرهنگ تولید گر روستایی)" و "عدم تمایل جوانان و به ویژه دختران جوان روستایی به صنعت قالی بافی و یادگیری مهارت‌های آن" به ترتیب دارای بیشترین تأثیر بر رکود صنعت فرش بافی، و مقوله‌های "مشکلات بهداشتی قالی بافی به سبک سنتی در خانه" و "ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه در راستای افزایش کیفیت تولید فرش دستباف" به ترتیب دارای کمترین تأثیر بر رکود صنعت فرش بافی در روستاهای مورد مطالعه است.

جدول شماره ۳: خلاصه نتایج ۱۷۰ پرسشنامه به دست آمده از سه روستاهای مورد مطالعه

مخالفاً (نفر)		مخالفاً (نفر)		بی نظری (نفر)		موافق (نفر)		موافق بسیار (نفر)		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۱.۸	۲۰	۲۰.۶	۳۵	۱۸.۸	۳۲	۲۱.۲	۳۶	۲۷.۶	۴۷	دستیابی روستاییان به منابع معیشتی جدید در دیگر بخش های اقتصادی
۱۲.۳	۲۱	۱۲.۳	۲۱	۱۷	۲۹	۳۵.۳	۶۰	۲۲.۹	۳۹	عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف
۹.۴	۱۶	۱۴.۷	۲۵	۱۵.۳	۲۶	۳۹.۴	۶۷	۲۱.۲	۳۶	کمرنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار به دلیل دسترسی بیشتر مردان به منابع معیشتی خارج از روستا
۷	۱۲	۱۶.۵	۲۸	۷.۶	۱۳	۳۵.۳	۶۰	۳۳.۵	۵۷	رکود درآمدی به دلیل رشد نامناسب قیمت فرش دستباف در مقایسه با دیگر کالاهای تولیدی
۳.۵	۶	۱۴.۱	۲۴	۲۲.۳	۳۸	۲۸.۸	۴۹	۳۱.۲	۵۳	بهره‌وری کم تر قالی بافی در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی
.	۰	۳.۵	۶	۱۶.۵	۲۸	۱۸.۲	۳۱	۶۱.۸	۱۰۵	گرایش خانواده های روستایی به سبک، شیوه زندگی شهرنشینی و ناهمخوانی آن با سبک و شیوه زندگی و معیشت سنتی در روستا
۱۰	۱۷	۱.۸	۳	۱۲.۳	۲۱	۱۵.۹	۲۷	۶۰	۱۰۲	عدم تمایل جوانان و به ویژه دختران جوان روستایی به صنعت قالی بافی و یادگیری مهارت های آن
۸.۵	۱۴	۱۷	۲۹	۱۴.۱	۲۴	۲۸.۸	۴۹	۳۱.۷	۵۳	زوال فرآیند آموزش نسل به نسل مهارت های قالی بافی در خانه و عدم جایگزینی نظام جدید آموزش فرش دستباف
۱۱.۲	۱۹	۲۸.۸	۴۹	۲۷.۶	۴۷	۱۳.۵	۲۳	۱۸.۸	۳۲	مشکلات بهداشتی قالی بافی به سبک سنتی در خانه
۰.۵	۱	۶.۵	۱۱	۳۰	۵۱	۱۹.۴	۳۳	۴۳.۵	۷۴	مهاجرت های روستا- شهری و کاهش تعداد جمعیت فرشباف روستایی
۰	۰	۱۰.۶	۱۸	۲۲.۹	۳۹	۴۰	۶۸	۲۶.۵	۴۵	سختی کار قالی بافی و آسیب های جسمی ناشی از آن
۲۴.۱	۴۱	۱۲.۵	۲۳	۹.۴	۱۶	۱۷.۶	۳۰	۳۵.۳	۶۰	ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه در راستای افزایش کیفیت تولید فرش دستباف
۱۱.۸	۲۰	۱۷.۶	۳۰	۱۳.۵۲	۳۵	۲۲.۳	۳۸	۲۷.۶	۴۷	افزایش قیمت و گرانی مواد اولیه تولید فرش دستباف
۰	۰	۱۲.۴	۲۱	۱۵.۳	۲۶	۳۵.۳	۶۰	۳۷	۶۳	ضعف جنبه های اقتصادی در برنامه ریزی توسعه روستایی
۹.۴	۱۶	۱۷	۲۹	۰	۰	۲۵.۳	۴۳	۴۸.۲	۸۲	ضعف سیاست های حمایتی دولت از

کاملاً مخالف (نفر)		مخالف (نفر)		بی نظر (نفر)		موافق (نفر)		موافق بسیار (نفر)	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
	۶								
۷	۱ ۲	۱۱ ۷	۲۰	۱۱.۷	۲۰	۱۴.۷	۲۵	۵۴.۸	۹۳

منبع: یافته های پژوهش

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تی برای هر یک از علل شانزده گانه به ترتیب رتبه

رتبه	سطح معناداری	خطای- استاندارد	انحراف معیار	میانگین	آرزوش تی	
۱	۰.۰	۰.۰۶	۰.۸۸	۴.۳	۳	گرایش خانواده های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی و ناهمخوانی آن با سبک و شیوه زندگی و معیشت سنتی در روستا
۲	۰.۰	۰.۰۹	۱.۲۹	۴.۱	۳	عدم تمایل جوانان و به ویژه دختران جوان روستایی به فعالیت در صنعت قالی بافی
۳	۰.۰	۰.۰۷	۱.۰۲	۳.۹۹	۳	مهاجرت های روستا- شهری و کاهش تعداد جمعیت قالی بافان
۴	۰.۰	۰.۱۰	۱.۳۳	۳.۹۸	۳	مشکلات بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان
۵	۰.۰	۰.۰۷	۱.۰۱	۳.۹۶	۳	ضعف جنبه های اقتصادی در برنامه ریزی توسعه روستایی
۶	۰.۰	۰.۰۷	۰.۹۴	۳.۸۲	۳	سختی کار قالی بافی و آسیب های جسمی ناشی از آن
۷	۰.۰	۰.۱۰	۱.۴۲	۳.۸۵	۳	ضعف سیاست های حمایتی دولت از فرش بافان (بیمه و...)
۸	۰.۰	۰.۰۸	۱.۱۵	۳.۷۸	۳	بهره‌وری کم تر قالی بافی در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی
۹	۰.۰	۰.۰۹	۱.۲۸	۳.۷	۳	رکود درآمدی به دلیل رشد نامناسب قیمت فرش دستباف در مقایسه با دیگر کالاهای تولیدی
۱۰	۰.۰	۰.۱۰	۱.۳۲	۳.۵	۳	زوال فرآیند آموزش نسل به نسل مهارت های قالی بافی در خانه و عدم جایگزینی نظام جدید آموزش فرش دستباف
۱۱	۰.۰	۰.۰۹	۱.۲۴	۳.۴۸	۳	کم رنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار به دلیل دسترسی بیشتر مردان به منابع معیشتی خارج از روستا
۱۲	۰.۰	۰.۰۹	۱.۳	۳.۴۳	۳	عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف
۱۳	۰.۰	۰.۱۰	۱.۳۶	۳.۳۸	۳	افزایش قیمت و گرانی مواد اولیه تولید فرش دستباف
۱۴	۰.۰	۰.۱۰	۱.۳۷	۳.۳۲	۳	دستیابی روستاییان به منابع معیشتی جدید در دیگر بخش های اقتصادی
۱۵	۰.۰	۰.۱۲	۱.۶۲	۳.۲	۳	ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه در راستای افزایش کیفیت تولید فرش دستباف
۱۶	۰.۰	۰.۰۹	۱.۲۸	۳	۳	مشکلات بهداشتی قالی بافی به سبک سنتی در خانه

منبع: یافته های پژوهش

در ادامه روش خوشه بندی سلسله مراتبی برای تحلیل علل رکود قالی بافی به کار رفت. بر این اساس شاخص های تأثیرگذار به سه خوشه تقسیم بندی شده اند. نتایج این روش در شکل شماره (۱) نشان داده شده است.

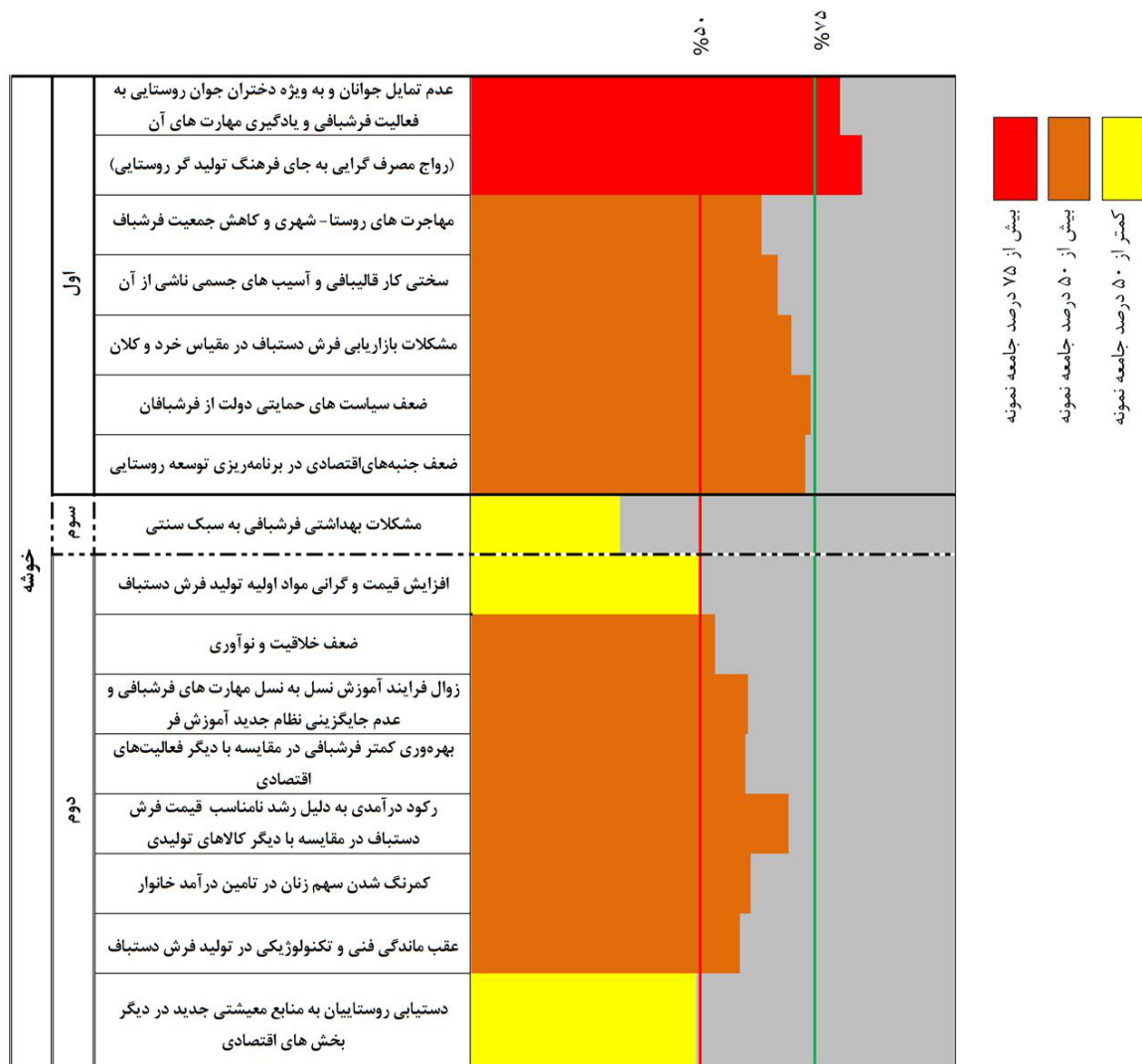
شکل شماره ۱: خوشه بندی علل رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه



منبع: یافته های پژوهش

بر اساس این روش علّت هایی که همبستگی بیشتری با یکدیگر دارند در یک خوشه قرار گرفتند. به عبارت دیگر عوامل رکودی که تأثیرات مشابه تری داشته اند در یک گروه قرار گرفته اند. برای مشخص نمودن این مقوله که کدام یک از شاخص های پژوهش به عنوان عامل رکود از توافق نظر بیشتری برخوردار بوده، بدین صورت اقدام شده است: در گام نخست پاسخ هایی که به طیف موافق گرایش بیشتری داشته است (طیف ۴ و ۵) را تفکیک و در خود این طیف نیز پاسخ ها در سه دسته کم تر از ۵۰، ۵۰ تا ۷۵ و ۷۵ درصد به بالا طبقه شدند. بدین ترتیب بر اساس همگرایی پاسخ ها به امتیازدهی علل رکود، مهم ترین عامل "گرایش خانواده های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی و ناهمخوانی آن با سبک و شیوه زندگی و معیشت سنتی در روستا" یا به عبارتی "رواج مصرف گرایی به جای فرهنگ تولیدگر روستایی" و کم اهمیت ترین عامل نیز "مشکلات بهداشتی قالی بافی به سبک سنتی در خانه" شناخته شده است. میزان اهمیت سایر شاخص ها نیز در شکل شماره (۲) نشان داده شده است.

شکل شماره ۲: دسته بندی علل رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه



منبع: یافته های پژوهش

۶- نتیجه گیری

صنعت فرش دستباف از دیرباز نقش مهمی در حیات اقتصادی جامعه ایران، به ویژه در نواحی روستایی داشته است. به طوری که، ایران همواره سرآمد کشورهای جهان در زمینه تولید انواع قالی و قالیچه های دستباف بوده و در دهه های تاریخ معاصر فرش دستباف از مهم ترین کالاهای صادراتی غیرنفتی ایران به شمار می آمده است. طی دهه های گذشته به دلیل تغییر و تحولات گسترده اجتماعی و اقتصادی در مقیاس کلان، از جمله ورود نفت به چرخه اقتصاد ملی و رشد شهرنشینی، دگرگونی های عمیقی نیز در ساختار سنتی اقتصاد و معیشت مردم روستایی پدید آمده است. این شرایط در بسیاری از نواحی روستایی با پیامدهای منفی همراه بوده و بستر مناسب برای بازساخت مطلوب جوامع روستایی به ویژه در ابعاد اقتصادی میسر نگردیده است. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که عمده علل رکود و زوال صنعت قالی بافی در روستاهای مورد

مطالعه ریشه در تحولات مدرن جامعه دارد. به طوری که، بر اساس دیدگاه جامعه محلی "گرایش خانواده های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی و ناهمخوانی آن با سبک و شیوه زندگی و معیشت سنتی در روستا" در بالاترین مرتبه علل رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه قرار می گیرد. هم چنین "عدم تمایل جوانان و به ویژه دختران جوان روستایی به فعالیت قالی بافی و یادگیری مهارت های لازم در این زمینه" به عنوان دومین علت زوال قالی بافی، همسو با تغییرات سبک زندگی دومین عامل مهم در رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه شناسایی شده است. این شرایط با دیدگاه مدرنیزاسیون همخوانی دارد، به طوری که گفته می شود، "تحولات مدرن به دگرگونی فعالیت های معیشتی سنتی و شیوه زندگی در نواحی روستایی می انجامد و بر این اساس لازم است برنامه ریزان حساسیت های نظام معیشت سنتی را در برابر ابعاد گسترده مدرنیزاسیون (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیکی) دریابند، تا بتوانند با ارایه برنامه های مناسب و راهگشا به پایداری نظام های معیشتی و اقتصادی جامعه از جمله در جوامع روستایی کمک کنند" (Mbaiwa, 2011, 1050). بنابراین، در مرتبه دوم، عدم تحقق چنین شرایطی در منطقه مورد مطالعه (در مواجهه با تحولات مدرن) و مجموعه عللی هم چون، ضعف جنبه های اقتصادی در برنامه ریزی توسعه روستایی، ضعف سیاست های حمایتی دولت از فرش بافان و صنعت فرش دستباف روستایی، مشکلات مربوط به بازار و بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان، سختی کار قالی بافی، مشکلات خلاقیت و نوآوری در صنعت فرش دستباف، بهره وری کم تر قالی بافی در مقایسه با دیگر فعالیت های اقتصادی به ویژه در بخش مدرن و نواحی شهری، رشد نامتناسب قیمت فرش دستباف و بنابراین، رکود کسب درآمد از قالی بافی، کاهش مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی خانوارهای روستایی، عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در صنعت فرش دستباف، خروج مداوم نیروی کار از روستاها به دلیل مهاجرت های روستا به شهر، و زوال فرایند نسل به نسل آموزش مهارت های قالی بافی، همگی به رکود قالی بافی و تولید فرش دستباف در روستاهای مورد مطالعه انجامیده اند. هم چنین در مرتبه سوم، افزایش قیمت و گرانی مواد اولیه تولید فرش دستباف، دستیابی روستاییان به منابع معیشتی جدید در دیگر بخش های اقتصادی و مشکلات بهداشتی قالی بافی به سبک سنتی در خانه به عنوان دیگر علل تأثیرگذار بر رکود صنعت قالی بافی در روستاهای مورد مطالعه تأثیرگذار شناخته شدند.

سرانجام آن چه از یافته های پژوهش برمی آید بیانگر این است که، چیرگی بر مشکلات گریبانگیر تولید فرش دستباف در ناحیه مورد مطالعه در گام نخست نیازمند نگرش سیستمی به مقوله توسعه روستایی، به ویژه در ابعاد اقتصادی آن است. در زمینه تولید فرش دستباف نگرش سیستمی به برنامه ریزان و و مسوولان کمک می کند صنعت تولید فرش دستباف را در بستر تحولات مدرن و شرایط کنونی حاکم بر نظام تولید و نظام عرضه و تقاضا در سطوح ناحیه ای، ملی و جهانی از زوایای مختلف بنگرند، تا با شناخت درست شرایط موجود اقدامات لازم و اساسی جهت حل مشکلات پدید آمده و بهبودی وضعیت آینده را به عمل آورند.

تشکر و قدردانی

از خانم ها مریم بیات، رؤیا رضایی جوزانی و فاطمه محبی نژاد- دانشجویان دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه ملی ملایر- که در انجام مطالعات میدانی و اجرای پرسش نامه های تحقیق مشارکت داشتند، کمال تشکر و قدردانی به عمل می آید.

فهرست منابع

- ۱- آسایش، نعمت اله؛ فرجی، مرتضی، (۱۳۸۷)، بررسی نظام تولید و توزیع فرش دستباف به منظور ارائه راهکار مناسب با تکیه بر تبدیل نظام فشاری (Push) به نظام کششی (Pull)، گلجام (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی فرش ایران، شماره ۱۱).
- ۲- ادواردز، سیسیل، (۱۳۶۸)، قالی ایران، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- ۳- ام. فلور، ویلم، (۱۳۸۴)، فرش های دوران پهلوی، فرش های دوران صفویه، موجود در: یارشاطر، احسان. ۱۳۸۴. تاریخ و هنر قالی بافی ایران (بر اساس دایره المعارف ایرانیکا)، ترجمه ر.لعلی خمسه، چاپ گلشن
- ۴- بیات، ناصر؛ رستگار، ابراهیم؛ خراسانی، محمد امین؛ قنبری نسب، علی. ۱۳۹۰. شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود اقتصاد دامداری در نواحی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای پریدر و مهدویه - شهرستان ملایر)، مجله پژوهش های روستایی، شماره ۸(۸)، صص ۱۸۱-۱۵۳.
- ۵- پورصادق، ناصر؛ بهلولی زیناب، نادر؛ حاجی خانی، مهدی، (۱۳۸۹)، نقش تعاونی های فرش دستباف استان زنجان بر توسعه صادرات این فرش، تعاون، پاییز ۸۹، سال ۲۱، شماره ۳.
- ۶- جزمی، محمد؛ شریعت زاده، علی اصغر؛ میرشکرایی، محمد، (۱۳۶۳)، هنرهای بومی در صنایع دستی باختران، تهران: مرکز مردم شناسی ایران.
- ۷- جعفرنژاد، احمد؛ سجادی پناه، علی؛ صفوی میرمحل، سیدرحیم؛ اجلی قشلاجوقی، مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی موانع و آرایه راهکارهای بکارگیری تجارت الکترونیکی در زمینه توسعه صادرات فرش دستباف ایران، پژوهشنامه بازرگانی، پاییز ۸۸، ۱۳(۵۲).
- ۸- حشمتی رضوی، فضل اله، (۱۳۸۰)، فرش ایران، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ۹- حیدری شکیب، رضا، (۱۳۸۹)، بررسی و شناسایی رنگرزی سنتی در کاشان، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۲، ۱۰- رابینسون، کارن اس، (۱۳۸۴)، فرش های پیش از اسلام، موجود در: یارشاطر، احسان. ۱۳۸۴. تاریخ و هنر قالی بافی ایران (بر اساس دایره المعارف ایرانیکا)، ترجمه ر.لعلی خمسه، چاپ گلشن.
- ۱۱- سازمان توسعه تجارت ایران، (۱۳۸۶)، وضعیت صادرات فرش دستباف ایران ۱۳۸۵-۱۳۷۹.
- ۱۲- شم آبادی، محمدعلی؛ خداداد حسینی، سیدحمید، (۱۳۸۶)، بازاریابی صادرات فرش دستباف ایران: بررسی عوامل مؤثر و آسیب شناسی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۳.
- ۱۳- صابری، ابراهیم، (۱۳۸۲)، جایگاه فرش دستباف در اشتغال شهری و روستایی، مجموعه مقالات سمینار ملی پژوهش فرش دستباف، مرکز تحقیقات فرش دستباف ایران، جلد دوم.
- ۱۴- صحت، سعید؛ فرجلو مطلق، مهسا، (۱۳۹۱)، بررسی و آسیب شناسی صادرات فرش دستباف ایران، دانشگاه علامه طباطبایی: دانشکده حسابداری و مدیریت، موجود در پایگاه اینترنتی مرکز ملی فرش ایران: <http://www.incc.ir>.
- ۱۵- فرهادی، مرتضی، (۱۳۸۳)، مردم شناسی قالیچه های گل برجسته دره جوزان ملایر. مجله انسان شناسی، شماره ۵.
- ۱۶- محمد پور، احمد، (۱۳۹۰)، روش پژوهش کیفی ضد روش ۱، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ۱۷- میرکتولی، جعفر، (۱۳۸۸)، بررسی علل اقتصادی - اجتماعی کاهش کیفیت فرش ترکمن، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۴.

۱۸- نصیری، محمد جواد. ۱۳۸۲. فرش ایران، تهران: انتشارات پرنک.
 ۱۹- واکر، دانیل، (۱۳۸۴)، فرش های دوران صفویه، موجود در: یارشاطر، احسان. ۱۳۸۴. تاریخ و هنر قالی بافی ایران (بر اساس دایره المعارف ایرانیکا)، ترجمه ر. لعلی خمسه، چاپ گلشن.
 ۲۰- مرکز ملی فرش ایران، (۱۳۹۱)، تحلیل وضعیت صادرات فرش دستباف ایران (ارزشی و وزنی) طی سال ۱۳۹۰ و مقایسه آن با مدت مشابه سال ۱۳۸۹، موجود در سامانه اطلاع رسانی مرکز ملی فرش ایران: <http://www.incc.ir>

۲۱- یارشاطر، احسان و جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۴)، تاریخ و هنر قالی بافی ایران (بر اساس دایره المعارف ایرانیکا)، ترجمه ر. لعلی خمسه، چاپ گلشن.

22. Andrews, T.G. 2009. *The Changing Face of Management in Thailand*, Taylor & Francis e-Library.

23. Boeije, H.R. 2009. *Analysis in Qualitative Research*, SAGE Publications Ltd.

24. Cousin, G. 2009. *Researching Learning in Higher Education*. New York, NY: Routledge.

25. Earl R. Babbie. 2012. *The Practice of Social Research*, Cengage Learning.

26. Geist, H. 2005. *The Causes And Progression Of Desertification*, Ashgate Publishing, Ltd.,

27. Hassouri, Ali. 1999. *Malayer: rugs from the heart of the Persia*, *International Carpet & Textile Review* 18, pp. 33-47.

28. Mbaiwa, J.E. 2011. *Changes on traditional livelihood activities and lifestyles caused by tourism development in the Okavango Delta, Botswana*, *Tourism Management* 32, 1050-1060.

29. McLachlan, k., Tapper, R. 2003. *Technology, Tradition and Survival*, FRANK CASS PUBLICATION, Great Britain: London.

30. Spencer, L. 2004. *Iran: A Primary Source Cultural Guide*, The Rosen Publishing Group, Aug 1, 2004 .